یك كشته و یك مصدوم در تصادف كوئیك

تصادف خودروی كوئیك با بلوك‌های بتونی بزرگراه تهران. كرج یك كشته ویك مصدوم برجای گذاشت.

ایرج رزاق، فرمانده آتش‌نشانان اعزامی در محل حادثه به تسنیم گفت: ساعت ۲۰ و ۵۰ دقیقه یكشنبه شانزدهم تیر امسال وقوع تصادفی در بزرگراه تهران. كرج به سمت غرب، بعد از پل شهید همدانی به آتش‌نشانی گزارش شد. آتش‌نشانان ایستگاه ۱۰۹ و گروه امداد و نجات در محل حاضر شدند. آنها مشاهده كردند این خودرو به‌دلیل نامعلومی به‌شدت با بلوك‌های بتونی وسط بزرگراه برخورد كرده است.

وی افزود: در این حادثه زن ۲۷ ساله به‌دلیل شدت صدمات وارده فوت و دختر ۱۷ ساله‌ای نیز مصدوم شد. جسد به پزشكی قانونی و مصدوم حادثه به بیمارستان منتقل شد. علت این حادثه از سوی پلیس راهور در دست بررسی است.

یک کشته و ۶۴ مصدوم در زلزله مسجدسلیمان

مسجدسلیمان لرزید

گروه حوادث

ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه، شهر مسجد سلیمان در استان خوزستان. زندگی در شهر و در گرمای تابستان روال همیشگی را داشت که ناگهان زمین شروع به لرزیدن کرد. لرزش شدید که در کمتر از ۱۰ ثانیه اثاثیه خانه‌ها و نماهای ساختمان‌ها را فرو ریخت. اهالی هراسان از خانه‌ها بیرون آمدند. زمین آرام گرفته بود اما صدای جیغ و فریاد فضای شهر را پر کرد. چند دقیقه بعد صدای آژیر آمبولانس‌های اورژانس و هلال احمر در کوچه پس کوچه‌های شهر پیچید. کسی جرات برگشت به داخل خانه را نداشت. دیوار بعضی از خانه‌ها خراب شده بود و خودروها زیر آوار گرفتار شده بودند.

۱۱ و ۳۳ دقیقه

خبرگزاری‌ها اعلام کرد، قدرت زمین لرزه ۵/۷ ریشتر و در عمق ۱۷ کیلومتری زمین بوده است. شدت زلزله به حدی بود که در استان‌های اصفهان، لرستان، کرمانشاه و همدان هم زمین لرزید و اهالی را وحشت زده کرد.

۱۱ و ۴۵ دقیقه

معاون امداد و نجات هلال احمر از اعزام تیم‌های ارزیاب به مناطق شهری و روستایی خبر داد و گفت: براساس ارزیابی‌های اولیه این زمین لرزه تلفات و خساراتی جدی نداشته است. در مناطق روستایی مسجدسلیمان برخی از منازل دچار ترك خوردگی شده‌اند.

۱۱ و ۴۸ دقیقه

پس لرزه‌ها شروع شد و مسجد سلیمان با زمین لرزه‌هایی با بزرگای بالای ۳/۹ ریشتر دوباره لرزید.

۱۲ و ۲۰ دقیقه

زلزله اولین قربانی خود را گرفت. در مسجد سلیمان مرد میانسالی پس از وقوع زلزله دچار وحشت و ترس شد و سکته کرد و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شد.

۱۲ و ۴۵ دقیقه

سخنگوی سازمان اورژانس کشور در پی وقوع زلزله ۵/۷ ریشتری در شهرستان مسجد سلیمان از اعزام ۱۵ آمبولانس به این منطقه خبر داد. مجتبی خالدی در گفت‌وگو با جام‌جم اظهار کرد: با توجه به وقوع زلزله ۵/۷ ریشتری در شهرستان مسجد سلیمان استان خوزستان، چهار اتوبوس آمبولانس از اهواز، هویزه، آبادان و رامهرمز به مسجد سلیمان اعزام شدند. همچنین ۱۱ دستگاه آمبولانس نیز از شهرهای اهواز، آبادان، شوشتر، هفتگل و باغملك به این شهرستان منتقل شدند تا امدادرسانی‌های لازم را انجام دهند.

۱۳ و ۳۰ دقیقه

رشید گلیج، مدیرکل دفتر مقررات فرودگاهی مدیریت بحران و پدافند غیرعامل شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران، در ارتباط با آخرین وضعیت فرودگاه‌های خوزستان پس از وقوع زلزله ۵/۷ ریشتری در مسجد سلیمان به ایسنا گفت: دو فرودگاه آبادان و اهواز پس از وقوع زلزله با هیچ مشکلی مواجه نشدند و آماده پذیرش بالگرد و هواپیماهای امداد و نجات را دارند و پروازهای مسافری از جمله پرواز زائران حج تمتع نیز طبق برنامه انجام خواهد شد.

ساعت ۱۷، آخرین آمار

۶۰ نفر در مسجدسلیمان، سه نفر در ایذه و یك نفر در باغملك در جریان زلزله مصدوم شدند. این گزارش حاکی است طبق ارزیابی‌های صورت گرفته و اعلام فرمانداری‌ها در شهرستان‌های لالی، اندیکا، گتوند، شوشتر، ایذه و باغملك خسارت و صدمات جانی و مالی گزارش نشده است. تعداد روستاهای ارزیابی شده شامل ۱۵ روستا بوده که ده مورد از این روستاها خانه‌ها ترك‌های جرئی ناشی از زلزله داشتند و در پنج روستای دیگر هشت باب خانه دچار تخریب بیش از ۵۰ درصدی شدند. تیم‌های عملیاتی در آماده باش کامل به سر می‌برند و آماده‌اند در صورت نیاز به شهرستان مسجد سلیمان اعزام شوند. همچنین سلیمانی، شهردار مسجدسلیمان نیز اعلام کرد: در اثر وقوع زلزله روز دوشنبه در مسجدسلیمان ۶۱ ساختمان بین ۳۰ تا ۵۰ درصد تخریب شدند و دیوارهای حدود ۸۰ ساختمان ترك‌هایی پیدا کردند. پنج خودرو نیز آسیب دیدند.

خانه‌های ۱۵ روستا دچار تخریب‌های جرئی ناشی از زلزله شدند

اهالی چه گفتند؟

رضا که در منطقه ۲۲ به‌همن زندگی می‌کند، درباره زمان زلزله به جام‌جم گفت: «در مغازه مشغول کار بودم که ابتدا صدایی شبیه ترك خوردن سنگ از زیر پایم حس کردم و بعد زمین شروع به لرزیدن گرفت. وسایل مغازه از قفسه‌ها روی زمین می‌ریخت. سریع از مغازه بیرون آمدم. شدت زلزله به حدی بود که به‌سختی راه می‌رفتم و به در و دیوار می‌خوردم. فکر کنم حدود ۱۵ ثانیه‌ای زمین لرزید. دیوار تعدادی از خانه‌ها ریخته بود و سنگ نمای ساختمان‌ها بود که روی زمین سقوط می‌کرد. در محله ما کسی زخمی نشد فقط گفتند یك نفر سکته کرده و فوت کرده است.» مهدی هم در زمان زلزله در خانه‌اش بود و روایتی دیگر از زلزله دارد. «عصرکار هستم و روزها در خانه می‌مانم. در حال تماشای تلویزیون بودم که لوستر شروع به تکان خوردن کرد و زمین زیر پایم می‌لرزید. حس می‌کردی روی تشك راه می‌روی و تعادل نداری. نوزادم را در آغوش گرفتم و از راه پله به بیرون از خانه حرکت کردیم. پایم پیچ خورد اما به سختی تعادلم را حفظ کردم. صدای جیغ زنان و فریاد مردان و گریه بچه‌ها از کوچه و داخل خانه‌ها شنیده می‌شد. جوانان محل به کمك سالخورده‌ها رفتند و آنها را از خانه بیرون آوردند. بعد از زلزله اصلی همچنان زمین می‌لرزد و جرات بیرون رفتن از خانه را نداریم.»

پسر ۷ ساله در جدال با گرمای ۵۰ درجه جان باخت

تراژدی در «کاجه»

محمد غمخوار
حوادث

دو پسر بچه که برای بازی به روستایی در بخش کاجه قصرقند رفته بودند، پس از ۱۲۰ دقیقه عملیات شبانه امدادگران هلال احمر پیدا شدند اما یکی از دو کودك به خاطر گرمای هوا و از دست دادن آب بدن، جان باخته بود. پسر بچه‌ها گاهی برای دیدن بچه‌های فامیل و بازی با آنها به روستای ملینتان که ۱۵ کیلومتر با خانه‌شان فاصله داشت می‌رفتند. صبح تکه نانی و غذایی را در بقچه خود می‌گذاشتند و مسیر کوهستانی را در پیش می‌گرفتند. غروب هم خسته از بازی با بچه‌های فامیل و مسیر صعب‌العبور دوباره به روستای میرچ باز می‌گشتند. این بار هم عصر شنبه تصمیم گرفتند راهی روستای ملینتان شوند. ساعت ۹ صبح در یکی از کوچه‌های روستا قرار گذاشتند و چهار نفری مسیر کوه را در پیش گرفتند. از روستا فاصله زیادی نگرفته بودند که دو نفرشان به خاطر گرمای هوا پشیمان شده و تصمیم به برگشت گرفتند. اما شبیر ۹ ساله و جمیل هفت ساله به مسیر ادامه دادند. نمی‌خواستند در جدال با گرمای حدود ۵۰ درجه شکست بخورند.

شروع تراژدی

به نیمه راه رسیده بودند و آبی همراه نداشتند. گلویشان خشك شده بود و نمی‌توانستند ناهار بخورند. خورشید به وسط آسمان رسیده و چادر گرم خود را پهن کرده بود. شبیر دیگر طاقت راه رفتن نداشت و کنار تخته‌سنگی نشست. جمیل وقتی وضع دوستش را دید، تصمیم گرفت به روستا برود و کمك بیاورد. به همین خاطر به تنهایی به مسیرش ادامه داد اما شبیر هرچه منتظر ماند از دوستش خبری نشد. هوا تاریك شده بود و خانواده دو پسر بچه نگران بچه‌ها شدند. از روستای ملینتان سراغشان را گرفتند اما معلوم شد به آنجا نرفته‌اند. چند نفر از اهالی روستا به جست‌وجو در مسیر پرداختند اما هیچ اثری از جمیل و بشیر نبود. عقربه‌های ساعت از ۱۲ شب گذشته بود که با هلال احمر تماس گرفتند و درخواست کمك کردند. اکبر علوی، رئیس هلال احمر نیکشهر در تشریح این عملیات به جام‌جم گفت: ۴۰ دقیقه بامداد دوشنبه از طریق تماس اهالی متوجه ناپدید شدن دو پسر بچه شدیم. بلافاصله نیروهای عملیاتی در پایگاه حاضر شده و ساعت یك بامداد، ۱۰ امدادگر با دو دستگاه خودرو راهی منطقه شدند. محل ناپدید شدن دو پسر بچه منطقه‌ای صعب‌العبور و کوهستانی است که فقط با خودروهای شاسی بلند می‌توان در آن تردد کرد. بررسی‌ها نشان داد، فاصله دو روستا حدود ۱۵ کیلومتر بوده و باید این منطقه را جست‌وجو می‌کردیم. وی ادامه داد: در همان لحظات اول با کمك اهالی روستا، شبیر ۹ ساله پیدا شد. در کنارش بسته نان و لوبیا قرار داشت. به علت گرمای شدید، آب بدنش را از دست داده بود که امدادگران در ابتدا اقدامات درمانی را انجام و او را از خطر مرگ نجات دادند. شبیر اطلاعی از دوستش نداشت و فقط می‌گفت او به سمت روستای ملینتان رفته تا کمك بیاورد. آنها تا حدود ساعت ۳ با هم بوده و بعد از آن جدا شده بودند.

مرگ تلخ

رئیس هلال احمر نیکشهر با اشاره به ۱۲۰ دقیقه جست‌وجو در کوهستان برای یافتن جمیل گفت: پس از حدود دو ساعت عملیات جست‌وجو در منطقه، سرانجام امدادگران پسر هفت ساله را پیدا کردند. او با صورت روی تخته سنگی افتاده و به علت قرار گرفتن در زیر آفتاب، بدنش سوخته بود. به نظر می‌رسید او به دلیل از دست دادن آب بدنش جان خود را از دست داده است. آن‌طور که خانواده‌اش می‌گفتند، جمیل دچار مشکلات تنفسی هم بود. علوی خاطرنشان کرد: شبیر به بیمارستان منتقل و پیکر جمیل به درخواست ریش‌سفیدان تحویل خانواده‌اش شد تا صبح دوشنبه تشییع شود. آنها اعلام کردند از کسی شکایت ندارند و می‌خواهند هر چه سریع‌تر جسد پسرشان را دفن کنند.

پس از ۴ سال فرار قاچاقچی حرفه‌ای دستگیر شد

«مولا» در دام

سرکرده باند قاچاقچیان موادمخدر شرق کشور بعد از چهار سال فرار توسط پلیس بازداشت شد.

سردار مجید شجاع، فرمانده انتظامی استان خراسان‌جنوبی به جام‌جم گفت: چهار سال پیش یکی از باندهای حرفه‌ای حمل و توزیع مواد مخدر که در شرق کشور فعالیت می‌کرد، متلاشی شد و ماموران اداره پلیس مواد مخدر خراسان‌جنوبی از دو نفر از اعضای این باند ۲۸۵ کیلو تریاك در ایست و بازرسی در علی‌آباد شهرستان بیرجند کشف کردند.

وی افزود: از آن زمان سرکرده اصلی این باند معروف به «مولا» متواری شد و طبق اطلاعات پلیس او از کشور خارج شده و زندگی مخفیانه‌ای را آغاز کرده بود. جست‌وجوها در این باره ادامه داشت تا این‌که ماموران چندی پیش باخبر شدند که این مرد قاچاقچی وارد کشور شده است. این در حالی بود که ماموران مطلع شدند او پس از چند ماه استقرار در یکی از شهرهای مرکزی کشور به شهرستان زاهدان عزیمت کرده و فعالیت مجرمانه‌اش را از سر گرفته است. وی ادامه داد: ماموران با هماهنگی قضایی مخفیگاه او را زیر نظر گرفتند و با همکاری ماموران پلیس مواد مخدر استان خراسان‌جنوبی و پلیس مواد مخدر استان سیستان و بلوچستان، متهم در مخفیگاهش بازداشت شد.

«مولا» متهم سابقه‌دار دستگیرشده، سرکردگی یکی از باندهای معروف حمل و توزیع مواد مخدر در شرق کشور را به‌عهده داشت و چند سال متواری بود که سرانجام بعد از چهار سال پلیس به فرار او پایان داد.

اشك پشیمانی در دادگاه قتل پسر ورزشکار

مرد جوان که متهم است در درگیری دسته جمعی پسر ورزشکار را کشته، دیروز در حالی که اشك می‌ریخت پای میز محاکمه ایستاد و ابراز پشیمانی کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت سال ۹۶ به‌دنبال وقوع درگیری دسته جمعی در سه راه تقی‌آباد در دستور کار پلیس قرار گرفت. شواهد نشان می‌داد در درگیری گروهی پسر ۲۶ ساله‌ای به نام پدرام کشته شده است. پلیس به محل درگیری رفت و جسد خونین پدرام با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. در بررسی‌ها روشن شد عامل جنایت که امید ۳۰ ساله بود بعد از درگیری به محل نامعلومی گریخته است. پلیس به ردیابی او پرداخت و وی را بازداشت کرد. این مرد به درگیری دسته جمعی و قتل پدرام اعتراف کرد و به بازسازی صحنه جرم پرداخت. وی دیروز در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

ابتدای این جلسه پدر قربانی در جایگاه ویژه ایستاد و برای امید حکم قصاص است.

سپس امید به دفاع پرداخت و گفت: آن روز از خیابان عبور می‌کردم که با سهیل روبه‌رو شدم. او به من نگاه چپ کرد و من به خاطر نگاه چپ به او اعتراض کردم که با هم درگیر شدیم. من به درگیری پایان دادم و می‌خواستم به خانه ام برگردم که سهیل با دوستش تماس گرفت و از او خواست برای کمك بیاید. پدرام وقتی به محل درگیری رسید به سمت من حمله کرد. آنها هر دو به من حمله کردند که من برای دفاع از خودم با قمه به سینه پدرام زدم. در آن درگیری چند نفر دیگر هم حضور داشتند.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود و اشك می‌ریخت، گفت: من حرفی برای گفتن و دفاعی از خودم ندارم. من حاضرم هر چه زودتر اعدام شوم تا از این عذاب وجدان رها شوم. فقط از پدر و مادر پدرام تقاضا دارم مرا حلال کنند و ببخشند. من رویم سیاه است و نمی‌دانم چه حرفی بزنم. باور کنید با پدرام خصومتی نداشتم و با سهیل درگیر بودم. من خیلی پشیمان هستم.

در این میان پدر قربانی برخاست و گفت: من پس از فوت پسرم چشم‌هایم نابینا شد. مرگ پسرم داغ بزرگی بر دل ما بود و من نمی‌توانم از خون پسرم بگذرم. پسرم ورزشکار بود و کمربند مشکی داشت و چند مدال گرفته بود.

امید می‌خواهد با دروغگویی‌هایش اشتباه خودش را توجیه کند. پسرم آن روز در خانه بود که دوستش سهیل با او تماس گرفت و از او خواست برای دعوا بیرون برود. پسرم با لباس راحتی و به قصد فیصله دادن به دعوا از خانه بیرون رفت و چند دقیقه بعد کشته شد.

وی در حالی که اشك می‌ریخت، گفت: پسرم به فجیع‌ترین شکل ممکن کشته شد. شاهرگ پایش را زدند، با قمه گردن او را بریدند و سپس قمه را در قلبش فرو کردند. من نمی‌توانم به هیچ قیمتی از قاتل پسرم بگذرم.

در این میان پدر متهم که در دادگاه حضور داشت، گفت: می‌دانم پسرم نادانی کرده و اشتباه بزرگی مرتکب شده است. من حاضرم دست و پای پدر مقتول را ببوسم و از او حلالیت بخواهم.

من چندبار می‌خواستم به خانه آنها بروم و با آنها صحبت کنم، اما اجازه ندادند. حالا عاجزانه التماس می‌کنم به‌خاطر نوه خردسالم پسرم را ببخشند.

با رد این درخواست از سوی اولیای دم، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

مرد بدهکار، طلبکارش را به آتش کشید

مردی برای این‌که بدهی‌اش را نپردازد با ریختن بنزین روی مرد طلبکار، او را به آتش کشید و به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، عصر یکشنبه ۱۶ تیر امسال یکی از ماموران کلانتری یافت‌آباد در تماس با بازپرس کامران رضوانی، کشیك قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان قتل مرد تبعه افغانستان قرارداد. در ادامه تحقیقات، یکی از اقوام مقتول به افسر تحقیق گفت: مرد جوان مبلغ پنج میلیون تومان به فردی داده بود و قرار شد او بعد از چند ماه بدهی اش را به وی بپردازد، اما بعد از این مدت بدهکار حاضر به پرداخت بدهی‌اش نبود. مرد جوان سه روز پیش برای دریافت طلبش نزد مرد بدهکار در یکی از محله‌های یافت‌آباد رفت که مرد بدهکار علاوه براین که بدهی اش را نپرداخت روی وی بنزین پاشید و با روشن کردن فندك باعث سوختن مرد جوان و مرگ او شد. جست‌وجو برای بازداشت قاتل آتش‌افروز و همدستان وی در پلیس آگاهی ادامه دارد.

تلنگر

محاکمه عاملان جنایت در زندان

دو محکوم تبعیدی که در زندان تهران بزرگ، زندانی جوانی را با ۳۰ ضربه چاقو به قتل رسانده بودند، ۲۹ تیر محاکمه خواهند شد.

به گزارش جام‌جم، علیرضا شیرمحمدعلی یکی از زندانیان در زندان تهران بزرگ بود که شامگاه بیستم تیر امسال براثر اصابت ۳۰ ضربه چاقو از سوی دو زندانی تبعیدی از زندان رجایی شهر کرج که یکی زندانی حبس ابدی و دیگری قصاصی بود به قتل رسید. متهمان مورد بازجویی قرار گرفتند و به جرایمشان اعتراف کردند. پرونده آنها با صدور جلب به دادرسی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یك استان تهران ارسال شد و قرار است متهمان ۲۹ تیر امسال به اتهام جنایتی که در زندان مرتکب شدند، محاکمه شوند.

مرگ ۲ نفر با مصرف مشروب

دو نفر براثر مصرف مشروبات الکلی دست ساز در شهرستان قشم، فوت کردند. دکتر فاطمه نوروزیان، مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان به ایسنا گفت: در چند روز اخیر مواردی از مسمومیت الکلی براثر مصرف مشروبات دست ساز در شهرستان قشم رخ داده که تاکنون دو نفر فوت شده‌اند.

مسافر ترکیه ۳۰۰ دقیقه گروگان پلیس‌های سارق‌نما

سه مامور قلابی با حکم جلب جعلی، مسافرزن عازم ترکیه را در مسیر فرودگاه ربودند و بعد از سرقت اموالش و آدم‌ربایی ۳۰۰ دقیقه‌ای رهایش کردند. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، چند روز پیش زن جوانی با حضور در شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از سه مامور قلابی به اتهام آدم‌ربایی، سرقت اموالش و دستبرد به خانه‌اش در محله سعادت‌آباد تهران شکایت کرد. با دستور بازپرس احسان زمانی، پرونده برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران ارسال و تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. شاکی زن به افسر تحقیق گفت: روز حادثه بلیت پرواز از تهران به ترکیه را داشتم و می‌خواستم برای سفر کاری -تفریحی به آن کشور سفر کنم. سوار خودروی آژانس شده و چمدان‌هایم را در صندوق عقب آن گذاشتم و از راننده خواستم از محله‌مان در سعادت‌آباد تهران مرا به فرودگاه امام (ره) منتقل کند. سوار شدم و راننده به سمت فرودگاه حرکت کرد. نیمی از راه را رفته بودیم که ناگهان یک خودروی پژو راه را برخودرویی که سوارش بودم بست. وی افزود: بعد از توقف خودرو، راننده نسبت به رفتار سه سرنشین خودروی مقابل اعتراض کرد. آنها با راننده مشاجره کردند و گفتند ما از ماموران اداره اطلاعات هستیم و از این خانم مسافر شکایت شده و او متخلف است و باید برای ادامه تحقیقات همراه ما به اداره پلیس بیاید و حکم جلب وی را داریم. برگه‌ای را از دور نشان دادند و بعد مرا با خودشان بردند. شاکی گفت: ۳۰۰ دقیقه از این ماجرا گذشت که خودرو مقابل روستایی حوالی جاجرود متوقف شد. آنها مرا از خودرو بیرون آوردند. کتکم زدند. سپس طلا، پول، دلار و گوشی تلفن همراهم را سرقت کردند. چمدان‌هایم را نیز با خودشان بردند. علاوه بر آن کلید خانه ام را هم به زور گرفتند و بعد از این‌که مرا به مرگ تهدید کردند، در حوالی روستا که اطرافش بیابان بود رهایم کردند. مسافر ترکیه ادامه داد: به‌سختی طناب دست و پایم را بازکردم و خودم را به روستا رساندم و از اهالی کمك خواستم. با گوشی تلفن همراه یکی از آنها با خواهرم تماس گرفتم و ماجرای ربوده شدن خودم و سرقت اموالم را به او گفتم. نشانی روستا را دادم. او آمد و با هم که به خانه‌ام بازگشتیم از طریق کلیدساز در را باز کردیم و متوجه شدیم همان آدم‌رباها یک میلیارد تومان طلا، پول و دلار را از خانه‌ام دزدیده‌اند. ماموران با اطلاعاتی که از زن ربوده شده به‌دست آوردند، جست‌وجو برای دستگیری متهمان را آغاز کردند.

فوت پسر خردسال با نیش زنبور

پسر شش ساله نیکشهری به علت گزش زنبور قرمز فوت کرد. سلیم بلوچی، دهیار روستای تیتران دن به خبرگزاری صداوسیما گفت: این پسر شش ساله ساکن روستای چیل بن در منطقه گرگان نیکشهر بود که به‌علت گزش زنبور قرمز حالش بد شد و به مرکز بهداشتی و درمانی مهبان منتقل شد، اما به علت نبود پزشك، جان خود را از دست داد.